بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی

سید علی‌اصغر میرباقری‌فرد*

استاد دانشگاه اصفهان

سیدمرتضی هاشمی**

استادیار دانشگاه اصفهان

حکمت‌الله صفری فروشانی***

چکیده

این مقاله بر آن است تا نشان دهد مبحث «قصر» در منابع فارسی علم معانی چندان به‌سامان و منسجم نیست. در این آثار مرز میان جمله‌های مقصور ادبی تعیین نشده است؛ علاوه بر این، تقسیم‌بندی‌های آن بر اساس اشراف و تسلط خواننده بر قصد متکلم یا مخاطب شکل می‌گیرد. نگارنده در این مقاله با نقد و تقسیم‌بندی‌های سه‌گانهٔ کتاب‌های معانی نتیجه می‌گیرد که جملات مقصور حقیقی و غیرادعایی باید در حیطهٔ زبان و جملات غیرحقیقی و ادعایی باید در حوزهٔ ادبیات بررسی شود و همچنین تغییر در لحن خواندن یا شدت تلفظ کلمات، موصوف و صفت یا صفت و موصوف آن را تعیین می‌کند و در تبیین قصرهای «افراد، قلب، تعیین» شناخت مخاطب بسیار ضروری است. نهایتاً اینکه جایگاه جملات مقصور در ذیل انواع جمله و مقاصد ثانوی آن مشخص نشده است. در پایان پیشنهاد می‌شود که در آموزش یا تجزیه و تحلیل مبحث قصر پنج عنوان «موضوع‌شناسی، ادبیت‌شناسی، مخاطب‌شناسی، جمله‌شناسی و غرض‌شناسی» در نظر گرفته شود.

* a_mir_fard@yahoo.com

** s.m.hashemi@litr.ui.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان Hekmatallah.safari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۷ **تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۶**

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۸، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۹

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

کلیدواژه‌ها: علم معانی، قصر، تقسیم‌بندی‌های سه‌گانه، خبری مقصور، انشایی مقصور، مقاصد ثانوی.

۱. مقدمه

علم معانی یکی از شاخه‌های علوم بلاغی است که کارکرد اصلی آن چگونگی مطابقت سخن با اقتضای حال است. یکی از مباحث مهم علم معانی «قصر» است. به هم آمیختگی موضوعات و تقسیم‌بندی‌های نارسا موجب شده است که اهمیت این بحث برای خواننده پنهان بماند؛ تقسیم‌بندی‌هایی که بر مدار نگرش گوینده به وجود آمده است، یعنی حتماً برای تبیین اغراض «قصر کلام» باید یا با نگرش و تفکر نویسنده آشنا بود یا اینکه مخاطب او را تشخیص داد.

«قصر» یکی از عوامل تأکید سخن است. با تبیین و تعیین دقیق کارکردهای آن می‌توان به‌خوبی از طریق یکی از مباحث علم معانی به تجزیه و تحلیل آثار پرداخت. این مقاله می‌کوشد، با اتکا به منابع معتبر علم معانی، تقسیم‌بندی تازه‌ای در این مبحث ارائه کند. در این تقسیم‌بندی یک جملهٔ مقصور در پنج محور موضوع، مخاطب، ادبیت کلام، نوع جمله و اغراض ثانوی بررسی می‌شود. هرکدام از این محورها تبیین‌کنندهٔ ویژگی‌هایی از سبک و شخصیت صاحب اثر است.

نقد و تحلیل در مبحث قصر نشان می‌دهد که شیوهٔ طبقه‌بندی مباحث نقصان دارد و طرحی دقیق برای آموزش یا تحقیق در مبحث قصر ارائه نمی‌کند. در نتیجه هدف از بازنگری در این مبحث عرضهٔ طرحی مناسب از شیوهٔ رایج در منابع بلاغی است؛ علاوه بر آن، نمونه‌هایی از متون ادب فارسی به‌عنوان شاهد مثال در زیر همین الگو ارائه می‌شود. ثانیاً طرح پیشنهادهایی دربارهٔ مبحث قصر و ارائهٔ شیوه‌هایی جدیدتر راه را بر محققان آثار ادبی هموارتر می‌کند. بدین نحو که می‌توان با داشتن الگویی منظم از «قصر» به بررسی شیوه‌های مقصورکردن کلام، انواع جملهٔ مقصور و موضوعات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

مختلف قصرشده پرداخت و از طریق آن آثار ادبی، بینش سیاسی، اجتماعی، عقیدتی شاعر یا جنبهٔ روان‌شناختی کلام او را بررسی کرد.

همان‌گونه که مطرح شد، نبودن طرح منظم در قصر موجب شده است این مبحث به‌خوبی مورد توجه محققان و دانشجویان قرار نگیرد. در این مقاله کارکردهای مختلف جملهٔ مقصور با توجه به اهداف علم معانی تبیین می‌شود. محورهای پنج‌گانه‌ای که مؤلفان این مقاله پیشنهاد کرده‌اند تبیین‌کنندهٔ همین اهداف است. در یک جملهٔ مقصور، «موضوع» قصرشده در تعیین نگرش شاعر یا نویسنده به مسائل مهم است یا با استفاده از «قصر» می‌توان خروج یک جمله از حالت عادی و زبانی و رسیدن به مرحلهٔ جملهٔ ادبی را تعیین کرد. در مخاطب‌شناسی جملهٔ مقصور این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که گوینده در شکل‌دهی جملهٔ مقصور با چه تفکر یا احساس و عاطفه‌ای با مخاطب خود برخورد می‌کند که نتیجهٔ آن شناخت حالات مختلف متکلم با توجه به جمله‌های مقصور است. نهایتاً تبیین کم‌توجهی صاحبان کتاب‌های بلاغی به اغراض ثانوی، که اساس کار علم معانی است، موجب شده است که کارکرد آن در انتقال معانی ثانوی به‌خوبی مشخص نشود.

جرجانی درباب «القصر و الاختصاص» معانی مختلف حروف در شکل‌گیری «قصر» را بررسی می‌کند و تجزیه و تحلیل مبحث خود را برآن قرار می‌دهد و نهایتاً نظریهٔ نظم خود را تبیین می‌کند. «قصر» در دوران طبقه‌بندی و تلخیص و شرح مباحث علم معانی، یعنی دورهٔ مقبولیت *مفتاح‌العلوم* و اخلاف آن در فصل «اسناد خبر» قرار می‌گیرد. *مطول* تفتازانی یکی از گسترده‌ترین شروح این دوران است که مبحث قصر را در ابعاد مختلف تبیین می‌کند. علاوه بر این‌ها در *الاتقان* (۱۹۷۳) دربارهٔ طرق قصر مباحث مفصلی طرح شده است. این موضوع همراه با مباحث دیگر علم معانی در کتاب‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

بلاغی فارسی چون *دررالادب* حسام‌العلما آق اولی (۱۳۱۵)، *هنجار گفتار* نصرالله تقوی (۱۳۱۷) و *معالم‌البلاغه* محمد خلیل رجایی (۱۳٤۰) جای می‌گیرد. شیوهٔ تقلیدی و ترجمه‌ای و پیروی از آثاری چون *مطول* تفتازانی بر ساختار آثار فارسی حاکم است و در موضوع مورد بررسی نقل نمونه‌هایی از اشعار فارسی نوآوری قابل ذکر این کتاب‌ها به حساب می‌آید. در بعضی از شروح فارسی *مختصرالمعانی* چون کرانه‌ها (عرفان، ۱۳۷۲/ ۲: ۱۹۷ ـ ۲۵۹) نکاتی بر اصل متن افزوده شده است.

علاوه بر این، در کتاب‌هایی چون *از زبان‌شناسی به ادبیات* کوورش صفوی (۱۳۷۳)، *تاریخ و تطور علوم بلاغت* (۱۳۸۳) و مقالاتی مثل «جایگاه رعایت مقتضای حال و مخاطب در نظریه‌های ادبی سنتی و نوین» (۱۳۸۵)، «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی» (۱۳۸٦)، «بررسی نظریهٔ ارتباط کلامی یاکوبسن در علم معانی» (۱۳۷۸) و «بازنگری علم معانی و نقد برداشت‌های رایج آن» (۱۳۸۸) در کنار دیگر مباحث علم معانی موضوع «قصر» طرح شده است.

در میان این تحقیقات آثاری چون *جمله و تحول آن در زبان فارسی* (۱۳۸۲)، *دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی* (۱۳۷۳)، *مسئلهٔ درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی* (۱۳۸۷) با نگاهی جدیدتر این موضوع را بررسی می‌کند.

۲. تعریف قصر

«و هو فی اللغه الحبس و فی الاصطلاح تخصیص شیٌ بشیء بطریق مخصوص» (تفتازانی، بی‌تا: ۷۸). این عبارت کامل‌ترین تعریفی است که از «قصر» به دست داده‌اند. صاحبان *جواهرالبلاغه* (۱۳۷۰: ۱۷۹) و *معالم‌البلاغه* (۱۳۷۹: ۱۲۱) همان تعریف را آورده‌اند. اما در منابع متأخر دیگر مثل *هنجار گفتار* (۱۳٦۳: ۹۰)، *معانی بیان* آهنی (۱۳٦۰: ۸۳) و *طراز سخن در معانی و بیان* (۱۳۸۲: ۹۲) به‌جای «شی بشیء» از کلمات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

«موصوف و صفت» استفاده می‌شود. تنها صاحب *دررالادب* در تعریفی بالنسبه متفاوت اعتقاد دارد: «اثبات حکم است برای آن‌چه در کلام ذکر شده و نفی حکم است از ماسوای او» (۱۳۷۳: ۱۰۷). تجلیل (۱۳۶۲: ۱۹) و شمیسا (۱۳۸۶: ۱۲۶) هم تعریفی نزدیک به حسام‌العلما طرح می‌کنند.

از تعاریف مذکور برمی‌آید که قصر بر اثبات و نفی تکیه دارد. اثبات آن با اختصاص دادن امری به امر دیگر است و نفی حکم به‌وسیلهٔ خارج‌کردن امری از محدودهٔ امر مخصوص شکل می‌گیرد. کاستی این تعریف در فراگیر بودن آن است که تمام حوزهٔ زبان را در برمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ارتباط جملات مقصور با علم معانی به‌روشنی تبیین نشده و ویژگی برجستهٔ علم معانی، یعنی اقتضای حال در تعریف «قصر»، لحاظ نگردیده است. بدین جهت لازم است که علاوه بر مفهوم عمومی «قصر» که اختصاص امری به امر دیگر است، به جنبه‌های بلاغی تعریف‌شده در حوزهٔ علم معانی توجه شود و با برجسته‌کردن خاصیت جملات مقصور در تأثیرگذاری بر مخاطب و ارتباط سریع‌تر با او اهمیت «قصر» در علم معانی تبیین گردد.

یکی از اهداف اصلی قصر مؤکدکردن کلام است و با بهره‌گیری از آن می‌توان کلام را برجسته کرد. فرشیدورد به این موضوع با شکلی تازه می‌نگرد و در تعریف «تأکید» می‌گوید: «آن است که سخنی را ـ اعم از کلمه یا جمله یا گروه ـ با وسائل دستوری یا معنایی به منظورهای بلاغی مورد توجه قرار دهیم و به آن شدت یا کمال یا روشنی بخشیم» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۶۸). با توجه به تعاریف می‌توان گفت:

«قصر آن است که به‌وسیلهٔ شیوه‌های قصر، چیزی یا حکمی، به امری تخصیص یا انحصار پیدا کند و کلام مقصور در راستای هدف اصلی علم معانی به مقتضای حال مخاطب و مناسب با اوضاع و احوال موضوع نقل شود و به کار رود».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

با این تعریف، دایرهٔ جملات مقصور در علم معانی کوچک‌تر می‌شود و بررسی جمله‌های عادی مقصور به حوزهٔ نحو و دستور زبان محدود می‌گردد.

۳. تقسیم‌بندی قصر

خطیب قزوینی در *الایضاح* تقسیم‌بندی مستقل قصر را منظم‌تر از سکاکی با تقسیم به «حقیقی و غیرحقیقی» آغاز می‌کند (قزوینی،۱٤۱۱ ق:۱۲۲) و از آن طریق وارد *مطول* تفتازانی می‌شود. کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بعد از آن مطالب تفتازانی را نقل کرده و سه نوع تقسیم‌بندی یعنی «حقیقی و غیرحقیقی»، «موصوف و صفت و صفت و موصوف» و «افراد، قلب، تعیین» را تشریح کرده‌اند.

۳. ۱. حقیقی و غیرحقیقی

حقیقی و غیرحقیقی اصطلاحی است که از طریق *تلخیص‌المفتاح* مطرح می‌شود و از آن پس، در دیگر آثار بلاغی به کار گرفته شده است. صاحب *مطول* علاوه بر طرح و شرح این موضوع، عدم تصریح سکاکی به این نوع تقسیم‌بندی را بیان می‌کند (تفتازانی، ۱۳۷٤ ق: ۱٦۱). اهمیت نقد و بررسی این تقسیم‌بندی در تبیین ارزش و جایگاه آن در علم معانی است. در این تقسیم‌بندی، دیدگاه گوینده نسبت به امر مقصور مطرح می‌گردد. وقتی که گوینده موضوع خود را به شیوهٔ مطلق قصر کند و کسی یا چیزی را در ویژگی مقصور شریک نگرداند، قصر حقیقی شکل می‌گیرد و عکس آن، قصر غیرحقیقی یا اضافی است که به‌طور نسبی ویژگی مقصور در نظر گرفته می‌شود. مشکل اساسی دسته‌بندی مربوط به قصد گوینده از جهت حقیقی و غیرحقیقی بودن فهم آن است بسیاری از مؤلفان کتاب‌های بلاغی با تکیه بر موضوع سخن، قصد گوینده را تبیین می‌کنند و به استناد شواهد که غالباً دربارهٔ صفات خداوند است و موحدان نمونهٔ کامل هر صفتی را خداوند می‌دانند، حقیقی یا غیرحقیقی بودن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

قصر را معین می‌سازند. مثلاً عباراتی چون «لا معبود بحق الا الله» (حسام‌العلما، ۱۳۷۳: ۱۰۹» و «لامؤثر فی الوجود الا الله» (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۲۲) در بحث قصر حقیقی قرار دارد؛ بعضی از اهل بلاغت به نوعی دیگر از قصر حقیقی به نام ادعایی اشاره می‌کنند که اضافه‌کردن واژهٔ «ادعایی» به قصر حقیقی کار را ساده‌تر می‌کند و می‌توان گفت گوینده ادعای حقیقت و واقعیت می‌کند و بعد از آن موضوع خود را مقصور می‌سازد. با دقت در نوع اخیر و شواهد آن استنباط می‌شود که شاعر یا نویسنده به هرچه عشق بورزد یا از آن نفرت داشته باشد با چشمی مطلق‌نگر نظر می‌کند و برحسب ادعا، تصور و برداشت خود را درباب موضوع حقیقت و واقع می‌داند و همین اغراق و ادعا موجب می‌شود که متن صبغهٔ ادبی پیدا کند.

نیست عاشق گشتن الا بودنش پروانه‌وار اولش قرب و میانه سوختن، آخر فنا

(خاقانی، ۱۳٦۸: ۱)

آهنی این بیت و بیت بعدی را از نمونه‌های قصر حقیقی ادعایی معرفی می‌کند (۱۳٦۰: ۸۳).

چند پرسی که بندگی چه بود بندگی جز فکندگی چه بود

(سنایی، ۱۳٦۸: ٦٦)

نکتهٔ اساسی این بحث گوینده‌مدار بودن آن است. «مراد از حقیقت آن است که در آن حقیقت و نفس‌الامر ملاحظه شود بدون توجه به اعتقاد مخاطب» (رضانژاد، ۱۳٦۷: ۲۷۸). همین امر تعیین نوع قصر را دچار اشکال می‌کند.

چندان ساده نیست که با دقت در یک مصراع یا یک بیت نوع قصر را تعیین کرد؛ یا باید به قصد و نیت متکلم از طریق بافت و موقعیت کلام آگاهی یافت، یا از طریق آشنایی که با سنت‌های ادبی و موتیف های آن وجود دارد، مطابق برداشت خود حقیقی و غیرحقیقی بودن آن را مشخص کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

تعیین حقیقی و غیرحقیقی بودن قصر در متون تفسیری قرآن بسیار مهم است؛ چون هدف آن کتاب‌ها تبیین دقیق‌ترین معنی از کلام وحی است و به اتکای آیات و روایات، تعیین قصر از نظر حقیقت و غیرحقیقت ضروری می‌نماید؛ اما قصر حقیقی در ادبیات با قصر حقیقی دینی تفاوت دارد. متن ادبی و هنری بر مبالغه و اغراق استوار است و هرچه از واقعیت دورتر باشد، هنری‌تر می‌شود، بدین جهت بسیاری از قصرهای ادبی که قصر حقیقی خوانده می‌شود، در واقع، بر ادعایی استوار است که حقیقت می‌نماید و قصر حقیقی در متون دینی بر حقیقت استوار است و عاری از ادعاست. تأمل در این بحث بدین جهت اهمیت بسیار دارد که با تبیین قصرهای حقیقی ادعایی می‌توان معلوم کرد که شاعر یا نویسنده بر چه موضوعاتی تمرکز داشته است. بررسی آماری موضوعات مقصور در حوزهٔ «ادعای حقیقت» شاخصی برای تحلیل تفکر پدیدآورندگان آثار ادبی است.

۳. ۲. قصر موصوف و صفت یا صفت و موصوف

اساس دومین دسته‌بندی قصر در کتاب‌های بلاغی بر ساختار جملهٔ مقصور استوار است، یعنی با جابه‌جایی موصوف و صفت نوع آن تغییر می‌کند. «مازید الا کاتب» و «ما کاتبٌ الاّ زید» مثال‌های تکراری بیشتر کتاب‌های بلاغی دربارهٔ قصر موصوف و صفت و صفت و موصوف است.

این نوع جملات بر ساختار ظاهری استوار است، یعنی با جابه‌جایی کلمات نوع آن تغییر می‌کند؛ دقیقه‌ای که به آن کمتر توجه شده است و غالباً به جای پرداختن به آن، مبحث صفت و موصوف را با مباحث حقیقی و غیرحقیقی یا افراد و قلب و تعیین درآمیخته‌اند. در این مبحث، تقدیم و تأخیر واژه‌های جمله در تعیین نوع قصر دخیل است. پس، لازم است ابتدا «ترتیبی» به‌عنوان «ترتیب معیار» برای کلام تعیین شود و بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

اساس آن، نوع قصر تعیین شود. در جملات عادی چون ما زیدٌ الا کاتب یا ما کاتب الا زید ترتیب کلام مشخص است و به‌راحتی می‌توان از طریق تعیین موصوف یا صفت، نوع آن را مشخص کرد؛ اما در بعضی از جمله‌ها، مخصوصاً جمله‌هایی که در شعر شکل می‌گیرد، گاهی هم ترتیب کلام به هم می‌خورد و هم امر مقصور حذف می‌شود؛ مثلاً:

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار　　چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

(حافظ، دیوان: ۲۶۳)

در این مثال مقصورعلیه «الف قامت یار» و مقصور کلمه‌ای محذوف است، یعنی

خط و نوشته‌ای	جز	الف قامت یار بر لوح دلم		نیست.
مقصور		مقصور علیه		

در مرحلهٔ بعد، تعیین صفت یا موصوف بودن طرفین اهمیت دارد؛ چیزی که کمتر به آن توجه شده است. با دو مثال معروف، یعنی ما زید الا کاتب و ما کاتب الا زید به‌راحتی معلوم می‌شود که جملهٔ اول موصوف و صفت و جملهٔ دوم صفت و موصوف است. چون مفهوم اسمی در کلمهٔ «زید» و مفهوم صفتی در «کاتب» به‌سادگی درک می‌شود؛ اما ممکن است در جایی مقصور و مقصورعلیه هر دو مفهوم اسمی داشته باشند و تعیین موصوف و صفت دشوار باشد، مثلاً؛ طریقت و خدمت خلق، کدام‌یک موصوف و کدام صفت است؟

طریقت به‌جز خدمت خلق نیست　　به تسبیح و سجاده و دلق نیست

(سعدی، ۱۳۷۲: ۵۲)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

در این مثال، «طریقت» و «خدمت به خلق» طرفین قصر است که هر دو مفهوم اسمی دارند و صفت بودن را از آن‌ها نمی‌توان استنباط کرد؛ یا در بیت دیگر، همین موضوع دربارهٔ «نظم محقق» و «نظم من» به‌عنوان طرفین قصر صادق است و مشخص نیست کدام‌یک در جایگاه صفت قرار می‌گیرند:

نبینی جز مرا نظمی محقق نیابی جز مرا نثری مبرهن

(خاقانی، ۱۳٦۸: ۳۱۸)

نهایتاً، تغییر آهنگ و تکیهٔ کلام نوع قصر را تغییر می‌دهد. در جملات مقصوری که با ادات «فقط و تنها» ساخته شده باشد و مقصورعلیه صفت دستوری باشد، یعنی یکی از ویژگی‌های موصوف را بیان کند، با تکیه‌دار کردن موصوف یا ادات قصر، مفهوم جمله تغییر می‌کند. در شاهد زیر: شاعر فقط صفت دستوری است.

حافظ فقط شاعر است.

مقصور صفت دستوری

اگر تکیه بر روی هجای دوم کلمهٔ «حافظ» قرار گیرد، قصر موصوف در صفت است، یعنی هجای دوم (فظ) باید با شدت و تکیه تلفظ شود.

حافظ فقط شاعر است (نه دیگران)

تکیه

و اگر تکیه بر روی هجای دوم کلمهٔ فقط باشد قصر صفت در موصوف است، هجای دوم کلمهٔ فقط (قط) است که با تکیه‌دار کردن آن مفهوم جمله با جملهٔ قبلی فرق می‌کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

حافظ $\frac{\text{فقط}}{\text{تکیه}}$ شاعر است (نه کاتب)

این قاعده در جایی که مقصورعلیه صفت دستوری، یعنی کلماتی مثل شاعر، کاتب و نویسنده باشد، ملموس‌تر است، چون وجه توصیفی آن خصوصیت تغییر نوع قصر را پدید می‌آورد؛ اما در جملاتی که دو طرف مفهوم اسمی دارند باید با دقت بیشتری این شیوه به کار بسته شود. برای مثال در جملهٔ «بندگی فقط افکندگی است» دو طرف قصر مفهوم مصدری دارند. با تکیه‌دارکردن هجای پایانی کلمهٔ «بندگی» این مفهوم انتقال می‌یابد که بندگی و اطاعت موجب افکندگی است؛ اما اگر تکیه بر روی هجای پایانی «فقط» باشد این مفهوم به نظر می‌رسد: «تنها چیزی که انسان را به مرحلهٔ بندگی می‌رساند افکندگی است» به هر صورت، اهمیت تغییر آهنگ و تکیهٔ کلام در این است که معنا و مفهوم کلام را دگرگون می‌کند و جایگاه صفت و موصوف تغییر می‌یابد و نهایتاً محقق ادبیات را یاری می‌کند تا دقیق‌ترین خوانش جملات مقصور را کشف کند و بر اساس آن به تجزیه و تحلیل بپردازد.

در نتیجه برای آموزش این مبحث سه کار باید انجام داد: اولاً بر اساس زبان رایج و عادی، یا به تعبیر دیگر، زبان معیار کلام را مرتب کرد و مطابق آن ترتیب مقصور و مقصورعلیه را معلوم ساخت؛ ثانیاً در نام‌گذاری طرفین قصر، یعنی موصوف و صفت ملاک‌هایی در نظر گرفت و حیطهٔ دقیق موصوف‌ها و صفت‌ها را تعیین کرد؛ ثالثاً نوع خوانش را در تعیین موصوف یا صفت بودن بعضی از نمونه‌ها مؤثر دانست.

تمام مطالب مطرح‌شده مربوط به نام‌گذاری‌های مبحث قصر است، اما آن چیزی که در حیطهٔ علم معانی ارزشمند به حساب می‌آید کشف مقصد و منظور متکلم از بیان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

جملهٔ مقصور است. گوینده به شکل ادعایی و اغراق‌آمیز مفهومی را مقصور می‌کند و از طریق آن بر تأثیر کلام خود می‌افزاید. این نکته یکی از اهداف اصلی علم معانی است.

۳. ۳. قصر افراد، قلب، تعیین

سومین دسته‌بندی قصر «قصر افراد، قلب، تعیین» است که برپایهٔ توجه متکلم به مخاطب تدوین می‌شود. وقتی که متکلم جمله‌ای مقصور را به کار می‌برد، می‌توان آن را به دو حالت تقسیم و تبیین کرد: اول اینکه گوینده خود را مخاطب قرار می‌دهد و بدون توجه به مخاطب فرضی یا واقعی بیرون از وجود خود، جمله‌ای مقصور بیان می‌کند که در ردیف جملات مقصور حقیقی و غیرحقیقی یا موصوف و صفت بررسی می‌شود. در حالت دوم، متکلم مخاطبی را در نظر دارد که بر اساس دیدگاه او نسبت به موضوع، جملهٔ مقصور خود را بیان می‌کند. این امر موجب شکل‌گیری قصرهای افراد، قلب و تعیین می‌شود.

در این دسته‌بندی، مخاطبان شاعر یا نویسنده نقش مهمی برعهده دارند. تشخیص نوع مخاطب در متون کار دشواری است و تجزیه و تحلیل کلام را می‌طلبد. اگر بتوان از طریق بافت کلام مخاطبان جملات مقصور گویندگان را شناخت، در تجزیه و تحلیل نگرش متکلم بسیار مؤثر است. قصر تعیین عام‌تر از دیگر قصرهاست؛ به تعبیر دیگر تمام جمله‌های مقصور در ردیف قصر تعیین قرار می‌گیرند، چون در حالت‌های عادی و طبیعی زبان، متکلم برای اطلاع‌رسانی به مخاطب جمله‌های خود را مقصور می‌کند؛ اما در قصرهای افراد و قلب حالت تردید و انکار وجود دارد. یعنی یا مخاطب نسبت به نظر گوینده مردد است که با قصر افراد، تردید متکلم از بین می‌رود، یا منکر است که با قصر قلب، نظر انکاری متکلم نادیده انگاشته می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

به هر صورت، این دسته‌بندی از طریق اوضاع و احوال کلام معنی‌دار است و در حالت عادی برای یک جملهٔ مقصور سه حالت را می‌توان در نظر گرفت، مگر اینکه قرائن لفظی یا معنوی بر یکی از قصرهای مذکور تأکید داشته باشد. پایه و اساس این دسته‌بندی بر شناخت «مخاطب» کلام استوار است، موضوعی که بیشتر از طریق سخنان شخصیت‌ها و عناصر درون متن امکان‌پذیر می‌شود و در بسیاری از متون ادبی، که حدیث نفس شاعر است و مخاطب برون‌کلامی وجود ندارد، دست‌یابی به مقصد و منظور متکلم دشوار است. برای مثال، بیت زیر را تقوی (۱۳٦۳: ۹٤) قصر قلب به حساب آورده است و علوی‌مقدم (۱۳۸۱: ۷٤) قصر تعیین.

من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم

این مطلب خود نشانه‌ای بر دریافت متفاوت خوانندگان از مخاطبان فرضی شاعران است. در بعضی از نمونه‌ها در نوع قصر اتفاق نظر وجود دارد، به طوری که بیت زیر را علوی‌مقدم (۱۳۸۱: ۷٤)، صادقیان (۱۳۸۲: ۹٤) و کزازی (۱۳۸۵: ۱۸۹) قصر قلب به حساب آورده‌اند:

به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

٤. ارتباط قصر با انواع جملهٔ خبری و انشایی

قصر از مباحثی است که در کتاب‌های بلاغی به‌عنوان یک فصل یا باب در پایان مباحث «خبر» آورده می‌شود. نکتهٔ مهم در این است که با قرارگرفتن «قصر» در این جایگاه، چنین تصور می‌شود که قصر مختص جمله‌های خبری است، زیرا در فصل انشاء موضوعی به نام قصر وجود ندارد. تفتازانی در پایان مبحث انشا می‌گوید: «الانشاء کالخبر فی کثیر مما ذکر فی الابواب الخمسه یعنی الاحوال الاسناد و المسندالیه و المسند و متعلقات الفعل و القصر» (۱۳۷٤، ق: ۱۹۵). در ادامه توضیح می‌دهد تمام

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

احوال خبر چون تعریف، تنکیر، حذف، ذکر، تقدیم و تأخیر و قصر دربارهٔ جمله‌های انشایی صدق می‌کند و به نظر او باید که احوال مشترک بین خبر و انشاء با «نور بصیرت در ریزه‌کاری‌ها»[1] جست‌وجو شود.

سخن تفتازانی اثبات می‌کند که «قصر» خصیصه‌ای است که می‌توان آن را در انواع جمله به کار بست؛ اما بدان جهت که رایج‌ترین نوع جمله، خبری است، این موضوع در ضمن مبحث خبر بررسی می‌شود.

اگر مبحث خبر و انشاء به چهار مقولهٔ خبری، پرسشی، امری (مثبت و منفی) و عاطفی (ندایی، تعجبی، تمنایی) تقسیم شود، به غیر از جملات خبری، که اساس مبحث قصر است، شواهد بسیاری از جملات پرسشی و امری و نهی وجود دارد که به کمک ادات قصر «مقصور شده» است. طرح این بحث از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان با اضافه‌کردن جمله‌های خبری و انشایی مقصور به انواع جمله در کشف مقاصد ثانوی جملات گونه مقصور جمله را در نظر گرفت و با شیوهٔ منظم‌تر جملات مقصور را در آثار ادبی بررسی کرد.

٤. ١. خبری مقصور

رایج‌ترین نوع قصرشده در زبان جملهٔ خبری است که یکی از عوامل تأکید جمله، یعنی قصر، آن را مؤکد می‌کند.

چون تشت بی‌سرند و چو در جنبش آمدند الّا شناعتی و دریده دهن نیند

(خاقانی، ١٣٦٨: ١٧٤)

٤. ٢. پرسشی مقصور

در این نوع که غالباً همراه استفهام انکاری است، در جمله ادات قصر به کار می‌رود. در این جملات دو عنصر موجب تأکید سخن می‌شود: یکی همان استفهام کلام است و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

دیگر ادات قصر. به کمک این دو عنصر شاعر بلیغ‌تر و مؤثرتر پیام خود را بـه خواننـده انتقال می‌دهد.

چون قدمت بانگ بر ابلق زند جز تو که یارد که اناالحق زنـد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۷)

٤. ۳. امری (مثبت و منفی) مقصور

در جمله‌های امر و نهی حالت استعلایی وجود دارد که با اضافه‌کردن ویژگـی قـصر بـر تأکید کلام افزوده می‌شود.

جهـــان ای بـــرادر نمانـــد بـــه کـــس دل اندر جهـان‌آفـرین بنـد و بـس

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۲)

قدح مگیر چو حافظ مگر به نالهٔ چنـگ که بسته‌اند بر ابریشم طرب دل شاد

(حافظ، ۱۳٦۸: ۱٤۷)

۵ . ساختمان جملهٔ مقصور

غالباً آغاز آموزش قصر در متون بلاغی آموزشی، یک جملهٔ بسیط خبری است: ما عالمٌ الا سعیدٌ (صادقیان، ۱۳۸۲: ۹۲) و بهرام جز پهلوان نیست (کـزازی، ۱۳۸۵: ۱۸٤). امـا در توضیح و تشریح انواع قصر به جمله‌های چندفعلی یا مرکـب (فرشـیدورد، ۱۳۸۲: ۲٦۹) هم استناد می‌شود: «زیدٌ شاعر لا منجم» (سکاکی، ۱۹۳۷: ۱۳۹).

ندانم جز آن کس نکوگوی من که در روی من گفت آهـوی مـن

(تقوی، ۱۳٦۳: ۹۲)

اهمیت این موضوع در تعیین محدودهٔ قصر کلام است. یعنی اینکه شاعر یا نویـسنده چه اندازه از قصر استفاده می‌کند. گاهی با یک جملهٔ سادهٔ کوتاه ویژگی قصر در کلام بارز می‌شود و زمانی با یک جملهٔ مرکب بلند. قصر در جملات بسیار کوتاه بـه‌سـادگی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

می‌تواند بررسی و نقد گردد، اما این کار در جمله‌های مرکب پیچیده می‌شود. به‌طوری که در مثال‌های زیر می‌توان جمله‌های مرکب مقصور را مشاهده کرد.

اندر چه اثیر اسیرند تا ابد — زآن جز شکسته پای و گسسته رسن نیند

پیرو — پایه

(خاقانی، ۱۳٦۸: ۱۷٤)

گویند در خلافه ولیعهد آدمیم — مشنو خلافشان که جز ابلیس فن نیند

پایه — پیرو

(خاقانی، ۱۳٦۸: ۱۷۵)

وقتی که در جملهٔ مرکب، پایه یا پیرو بودن جملهٔ مقصور تعیین شد، اظهارنظر دربارهٔ جملهٔ مقصور ساده‌تر شکل می‌گیرد؛ علاوه بر آن در جمله‌های کوتاه فقط عامل قصر موجب تأکید کلام می‌شود، اما در جمله‌های مرکب به‌جز جمله‌وارهٔ مقصور جمله‌وارهٔ دیگر بر تأکید کلام می‌افزاید. این مطلب اثبات می‌کند که در جملهٔ مرکب فقط قصر موجب تأکید کلام نمی‌شود، بلکه باید عوامل دیگر را در نظر گرفت.

نتیجهٔ بحث این است که قصر یکی از ساختارهای زبان به حساب می‌آید و لازمهٔ ارتباط با این مبحث در علم معانی آشنایی با ساختمان انواع جملهٔ مقصور در زبان است؛ همان‌گونه که در کشف مقاصد ثانوی کلام باید انواع جملهٔ خبری و انشایی را شناخت.

٦. مقاصد کاربرد قصر

اهمیت این بحث در علم معانی ناظر به انتقال معانی ثانوی از طریق جملات مقصور است. در ذیل تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ قصر، یعنی حقیقی و غیرحقیقی، صفت و موصوف و موصوف و صفت، افراد، قلب و تعیین اغراض ثانوی را می‌توان استنباط کرد. اما بخش مستقلی به نام اغراض ثانوی جمله‌های مقصور در کتاب‌های معانی تدوین نشده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

تنها شمیسا بخشی به نام «مقاصد کاربرد قصر» تنظیم کرده است که اغراضی چون «مبالغه، ترغیب و تشویق، تحقیر غیرمقصور، طنز و مسخره، جلب توجه و تأکید» (شمیسا، ۱۳۸٦: ۱۳۰) را برای قصر برمی‌شمارد.

بسیار ضروری است که اهمیت مبحث «قصر» در انتقال معانی ثانوی تبیین شود. حال اگر پذیرفته شود که «قصر» یکی از ویژگی‌های کلام است، پس علاوه بر جملات خبری، جمله‌های انشایی هم از این ویژگی برخوردارند و بررسی اغراض ثانوی کلام مقصور ذیل هریک از انواع جمله شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، در تقسیم‌بندی انواع جمله، «گونهٔ مقصور» به هریک از آن‌ها اضافه می‌شود و لزومی ندارد مبحث قصر در فصلی مستقل قرار گیرد؛ بلکه در بررسی جمله‌های خبری، پرسشی، امری «گونهٔ مقصور» آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. بدین‌ترتیب، هم جای خالی جملات مقصور در انواع جمله پر می‌شود و هم بررسی مقاصد ثانوی کلام منظم‌تر شکل می‌گیرد.

برای مثال در بیت زیر تمام مباحث طرح‌شده دربارهٔ قصر در پنج مرحله بررسی می‌شود:

قدح مگیر چو حافظ مگر به نالهٔ چنگ که بسته‌اند بر ابریشم طرب دل شاد

(حافظ، ۱۳٦۸: ۱٤۷)

۱. شاعر شنیدن نالهٔ چنگ را مهم و موجب شادمانی می‌داند؛ یعنی دغدغهٔ شاعر در این جملهٔ مقصور، برجسته‌کردن شراب‌خواری همراه با موسیقی است و هرچه بسامد جمله‌های مقصور در این موضوع بیشتر باشد، اهمیت آن در نظر حافظ بیشتر بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

۲. حافظ با قصر حقیقی ادعایی معتقد است که فقط با نالهٔ چنگ شراب بنوش و با این ادعا، جملهٔ خود را از حالت عادی به ادبی تبدیل کرده است؛ به عبارت دیگر، ادعای دور از حقیقت حافظ جنبهٔ بلاغی و اغراقی کلام را زیادتر می‌کند.

۳. سه گروه مخاطب برای این شعر می‌توان در نظر گرفت: کسانی که از تأثیر نالهٔ چنگ آگاه نیستند (قصر تعیین)؛ گروهی که در تأثیر نالهٔ چنگ مردد هستند (قصر افراد) و دستهٔ سوم کسانی که تأثیر نالهٔ چنگ در شادمانی را قبول ندارند (قصر قلب). در صورتی که بتوان به استناد مدارک تاریخی مخاطبان این بیت و امثال آن را تعیین کرد، میزان ارادت یا اعتراض نسبت به حافظ مشخص می‌شود.

٤. جملهٔ امری منفی (نهی) مقصور به‌وسیلهٔ یک جمله‌وارهٔ استدلالی تکمیل شده است. اهمیت این جمله از نظر مرکب یا ساده بودن در این است که حافظ به‌وسیلهٔ یک جملهٔ مرکب (پایه و پیرو) علاوه بر عامل قصر در مصراع اول یا جمله‌وارهٔ پایه از عامل استدلال در مصراع دوم یا جمله‌وارهٔ پیرو استفاده کرده است و این بهره‌گیری از استدلال تأثیر قصر کلام را زیادتر کرده است.

۵. ترغیب و تشویق مخاطب غرض ثانوی آن است؛ یعنی حافظ از قصر بهره گرفته و خواسته مخاطب را مشتاق و علاقه‌مند به پیروی از نظر خود کند.

۷. پیشنهادها

«قصر»، چه در زیرمجموعهٔ انواع جمله قرار گیرد، چه در فصل مستقلی بررسی شود، بهتر است مراحل زیر دربارهٔ یک جملهٔ تک‌فعلی یا چندفعلی در نظر گرفته شود:

۱. با دقت در جزء مقصور کلام، نگرش متکلم به موضوع «مقصور» تبیین گردد؛ یعنی در این مرحله آن موضوعی مهم است که به‌وسیلهٔ شیوه‌های قصر کلام مورد توجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

متکلم قرار گرفته است. بخش مقصور یک جمله به‌خوبی نگرش متکلم را به آن موضوع نشان می‌دهد. با بررسی‌های بسامدی و آماری موضوعات «مقصور» در آثار ادبی، جنبه‌های گوناگون فکری و سبکی شاعران و نویسندگان تبیین می‌شود.

در این حالت، متکلم احساسات و عواطف خود، یعنی مدح و تعظیم یا ذم و تحقیر، را به کمک «قصر» به مخاطب انتقال می‌دهد. این‌جا، فارغ از نوع جمله یا مقصد ثانوی کل جمله، فقط بخش مقصور کلام یا موضوع مورد توجه گوینده بررسی و نهایتاً منجر به تحلیل فکری متکلم می‌گردد. از این تحلیل می‌توان جنبه‌های مختلف روحی، روانی، اجتماعی و... شاعر یا نویسنده را دریافت. مثلاً با بررسی محتوایی «موضوعات مقصور» در *دیوان حافظ* می‌توان حساسیت او را به موضوعات مختلف طبقه‌بندی کرد. با این شیوه، از طریق «قصر در علم معانی» سبک صاحب‌اثر تجزیه و تحلیل می‌شود. تقسیم‌بندی «موصوف و صفت» و «صفت و موصوف» در کتاب‌های معانی به صورت کلی و مبهم به همین موضوع اشاره دارد.

۲. روشن شود که «قصر» بر مدار واقعیت شکل گرفته است یا بر محور اغراق و ادعا. اگر مبتنی بر واقعیت باشد، بیانگر یکی از ویژگی‌های طبیعی زبان است که در زبان روزمرهٔ مردم جمله‌های مقصور واقعی به کار می‌رود و بررسی آن مربوط به دستور زبان است. اما اگر متکی بر ادعا و اغراق باشد در حوزهٔ علم معانی قرار می‌گیرد و منجر به شکل‌گیری قصر حقیقی و غیرحقیقی می‌شود. بدون توجه به نام‌گذاری‌های منابع علم معانی، قصری ادبی به حساب می‌آید که بر محور ادعا و اغراق باشد، یعنی غیرواقعی جلوه کند. در این مرحله، اولاً از طریق غیرواقعی و ادعایی بودن «قصر» ادبیت جمله‌های مقصور تعیین می‌شود و ثانیاً از طریق بررسی بسامدی «قصرهای ادعایی» یک اثر ویژگی‌های سبکی آن نمایان می‌گردد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

۳. اگر بتوان از طریق بافت و موقعیت کلام، نوع نگرش مخاطب را به کلام مقصور تعیین کرد، بسامد موافقان، معترضان و مخالفان سخن متکلم به دست می‌آید که نهایتاً از نظر تحلیل شخصیت شاعر و محیط زندگی او ارزشمند است. غیر از این، وظیفهٔ اصلی علم معانی، یا انتقال مفاهیم و معانی به مخاطب، سریع‌تر شکل می‌گیرد. این بخش در کتاب‌های علم معانی با عنوان قصرهای «افراد، قلب، تعیین» مطرح می‌شود.

٤. در این مرحله، تعیین نوع جمله اهمیت دارد؛ یعنی اینکه جزء مقصور در چه نوع جمله‌ای قرار گرفته است. بدین ترتیب، با اتکا به انواع جمله (خبری، پرسشی، امری به صورت مثبت و منفی) ویژگی قصر بررسی می‌شود.

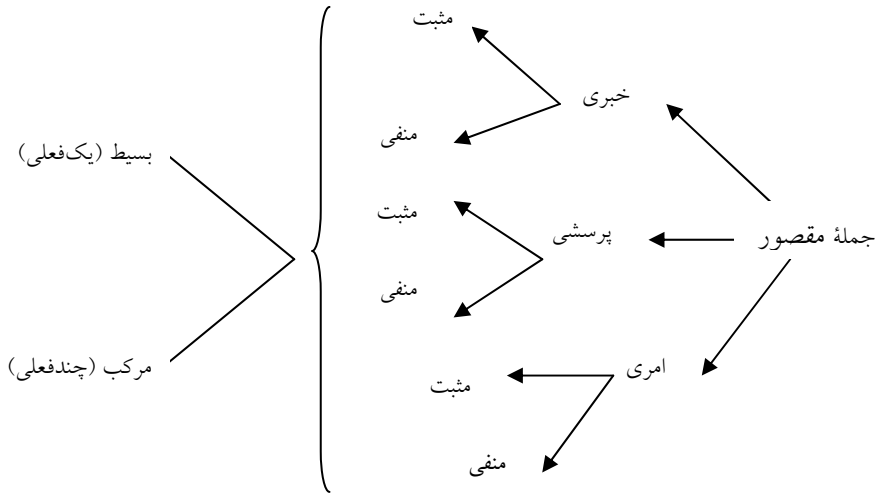

در این مرحله اگر جملهٔ مقصور با یک فعل پیام خود را انتقال دهد بسیط به حساب می‌آید. در غیر این صورت، جمله یا جمله‌های دیگر مکمل انتقال پیام می‌شوند و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

جملات مرکب مقصور را می‌سازند که تعیین جملهٔ مقصور مبنایی برای بررسی مراحل دیگر است.

۵. مرحلهٔ پنجم، تعیین اغراض ثانوی جملهٔ مقصور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های علم معانی، تعیین اغراض ثانوی جملات است. در آخرین مرحلهٔ بررسی جملهٔ «مقصور» باید «غرض یا معنی ثانوی» کلام مشخص شود. در این مرحله اساس بررسی اغراض همان تقسیم‌بندی جمله‌ها به خبری و انشایی است. با این تفاوت که ویژگی «قصر» به آن‌ها اضافه می‌شود.

پس جملهٔ مقصور در پنج جهت ارزش و اهمیت پیدا می‌کند: تعیین و تبیین موضوعات مورد توجه متکلم، تبیین ادبیت کلام، شناسایی مخاطبان متکلم، جایگاه قصر در انواع جمله، کسب و درک اغراض ثانوی.

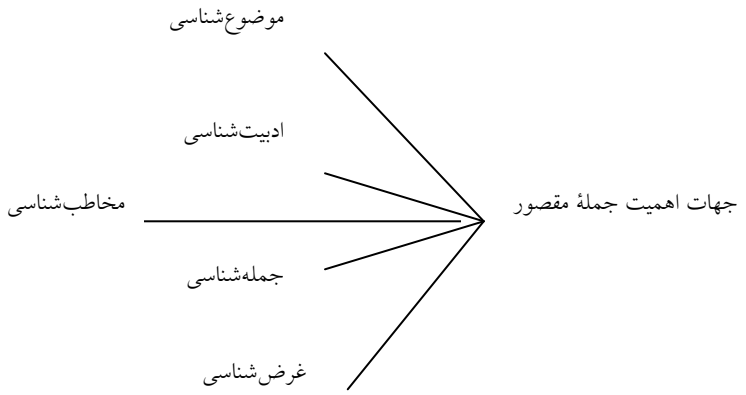

۸. نتیجه‌گیری

مبحث قصر در کتاب‌های بلاغی طرحی روشمند و منظم ندارد. به علت آمیختگی بخش‌های مختلف و تبیین نشدن اهمیت قصر، توجهی به تقسیم‌بندی منظم در این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

کتاب‌ها نشده و بیشتر «قصد و نیت متکلم» در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است. در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که باید از مناظر مختلف به جملات مقصور توجه شود تا زمینهٔ تجزیه و تحلیل ویژگی‌های فکری، زبانی و ادبی اثر یا صاحب اثر تبیین شود. با بررسی موضوعات مقصور یک اثر می‌توان تأکید و حساسیت صاحب اثر را کشف کرد و به دنبال آن نگرش فکری او و حتی هم‌عصران وی را از طریق قصر در علم معانی به دست آورد. در نگاهی دیگر، با دقت در موقعیت تاریخی و بررسی زندگی اجتماعی شاعر یا نویسنده، می‌توان نوع مخاطبان او را شناسایی کرد که نهایتاً منجر به تحلیل تفکر اجتماعی صاحب اثر می‌شود؛ علاوه بر این‌ها، «نگرش عاطفی» مؤلف از طریق بررسی مقاصد ثانوی جملات مقصور کشف می‌شود که بیانگر ویژگی‌های شخصیتی صاحب اثر است و می‌تواند یکی از معرّف‌های روح و روان او باشد. مبحث قصر راهی دیگر برای سبک‌شناسی آثار ادبی است. قصرهای ادعایی نشانهٔ ادبیت و بلاغت کلام‌اند؛ تبیین تعداد مخالفان و موافقان صاحب اثر وضعیت اجتماعی او را معین می‌کند؛ تکیه بر موضوعات خاص به شکل مقصور دغدغه و حساسیت صاحبان آثار را به ما می‌شناساند. گرایش به جملهٔ مرکب نشان از آن دارد که شاعر یا نویسنده علاوه بر قصر به کمک عوامل دیگر کلام خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. با دقت در نوع «مقصد ثانوی» در جملات مقصور نگرش عاطفی گوینده بر ما آشکار می‌شود و در نهایت به شخصیت او به‌عنوان فردی خوش‌بین، بدبین، موعظه‌گر، تحقیرگرا و از این قبیل پی می‌بریم. نهایتاً اینکه از طریق جملهٔ مقصور می‌توان جنبه‌های مختلف فکری و ادبی صاحبان آثار را تحلیل کرد. در این مقاله طرحی ارائه شده که براساس آن می‌توان از طریق مبحث قصر آثار ادبی را تحلیل کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

پی‌نوشت

۱. تفتازانی در پایان فصل ششم کتاب *مطول* اشاره می‌کند که تمام ویژگی‌های جملهٔ خبری، که قصر هم از آن دسته است، در جملات انشایی صدق می‌کند (۱۳۷٤ هـ. ق: ۱۹۵). او در *مختصرالمعانی* این مطلب را اضافه می‌کند که خواننده باید با نور بصیرت لطایف کلام را در جملات انشایی درک کند (بی‌تا: ۱۰۰).

ظاهراً ساختار امری، پرسشی و عاطفی جملات انشایی موجب شده است که کلام مؤکد شود و عوامل تأکیدی دیگر سخن، یعنی مباحثی که در احوال مسندالیه و مسند و قصر طرح می‌شود، در این جملات کم‌تأثیر شود.

منابع

آق‌اولی، عبدالحسین حسام‌العلما (۱۳۷۳) *دررالادب در فن معانی و بیان و بدیع*. چاپ سوم. قم: هجرت.

آهنی، غلامحسین (۱۳٦۰) *معانی بیان*. چاپ دوم. تهران: بنیاد قرآن.

امینی، محمدرضا (۱۳۸۸) «بازنگری مبانی علم معانی و نقد برداشت‌های رایج آن». *مجلهٔ پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه اصفهان. سال چهل و پنجم. دورهٔ جدید. شماره سوم: ۵۹ ـ ۷۵.

تجلیل، جلیل (۱۳۷٦) *معانی و بیان*. چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تفتازانی، سعدالدین مسعود (۱۳۷٤ ق) *کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

تفتازانی، سعدالدین مسعود (بی‌تا) *مختصرالمعانی فی‌التلخیص المفتاح*. قم: مصطفوی.

تقوی، نصرالله (۱۳٦۳) *هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*. چاپ دوم. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

جرجانی، عبدالقاهر (١٤٢٤ هـ. ق) *دلائل الاعجاز فی علم المعانی*. الدکتور یاسین الایوبی. بیروت: صیدا، مکتبة النموذجیه ـ مکتبة العصیریه.

جهاد، لاله (۱۳۸۷) «بررسی نظریهٔ ارتباط کلامی یاکوبسن در علم معانی». *کتاب ماه ادبیات*. شماره ۱۵. پیاپی ۱۲۹: ۵ ـ ۱۱.

حافظ، شمس‌الدین محمد (١٣٦٨) *دیوان حافظ*. به تصحیح قزوینی و غنی. به اهتمام عبدالکریم جربزه‌دار: چاپ دوم. تهران: اساطیر.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین (١٣٦٨) *دیوان اشعار*. به کوشش ضیاءالدین سجادی. چاپ سوم. تهران: زوار.

خطیب قزوینی، جلال‌الدین (١٣٤١١ هـ. ق) *الایضاح فی علوم البلاغه المعانی و البیان و البدیع*. قم: دارالکتاب الاسلامی.

رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۹) *معالم‌البلاغه*. چاپ پنجم. شیراز: دانشگاه شیراز.

رضانژاد (نوشین)، عبدالحسین (١٣٦٧) *اصول علم بلاغت در زبان فارسی*. قم: الزهرا.

سعدی، مصلح‌الدین (١٣٦٣) *بوستان*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱) *گلستان*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

سکاکی، ابی یعقوب یوسف (١٣٥٦ق) *مفتاح‌العلوم*. مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (١٣٦٨) *حدیقة‌الحقیقه*. تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

سیوطی شافعی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۹۷۳. م) *الاتقان فی علوم القرآن و بالهامش اعجاز القرآن القاضی ابی‌بکر الباقلانی*. الجزء الاول. بیروت: المکتبة الثقافیه.

شمیسا، سیروس (١٣٨٦) *معانی*. تهران: میترا.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]

صادقیان، محمدعلی (۱۳۸۳) *طراز سخن در معانی و بیان*. یزد: ریحانه الرسول یزد.

صفوی، کوروش (۱۳۸۳) *از زبان‌شناسی به ادبیات*. ج اول. تهران: سوره.

صیادکوه، اکبر (۱۳۸۵) «جایگاه رعایت مقتضای حال و مخاطب در نظریه‌های ادبی سنتی و نوین». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دورهٔ بیست و پنجم. شماره سوم. پیاپی ۴۸: ۱۱۷-۱۳۲.

ضیف، شوقی (۱۳۸۳) *تاریخ و تطور علوم بلاغت*. ترجمهٔ محمدرضا ترکی. تهران: سمت.

عرفان، حسن (۱۳۷۲) *کرانه‌ها* (شرح فارسی مختصرالمعانی تفتازانی). ج دوم. قم: هجرت.

فتوحی، محمود (۱۳۸٦). «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی». *ادب‌پژوهی*. دانشگاه گیلان. شماره سوم: ۹-۳۷.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳) *دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷) *مسئلهٔ درست و غلط. نگارش و پژوهش در زبان فارسی*. تهران: سخن.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵) *معانی زیباشناسی سخن پارسی*. چاپ ششم. تهران: مرکز.

نظامی گنجه‌ای (۱۳۸۰) *مخزن الاسرار*. با تصحیح و حواشی وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ پنجم. تهران: قطره.

هاشمی، احمد (۱۳۷۰) *جواهرالبلاغه فی‌المعانی و البیان و البدیع*. چاپ سوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1389.18.68.17.1]